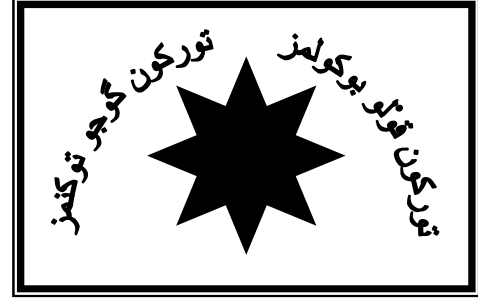




**هفته فرهنگی**  
**آذربایجان**  
**در کوی**  
**دانشگاه تهران**



**Türk Dünyasına Geden bir Yol**



**یول / هفته نامه‌ی خبری دانشجویان تورک دانشگاه تهران / شماره‌ی ۴۸ / دوشنبه ۱۴/۰۲/۸۳ - ۳ می ۲۰۰۴ / قیمت ۱۰ تومن** <http://yol1.topcities.com>

## تعطیلی غرفه‌ی استان آذربایجان غربی در سومین جشنواره‌ی فرهنگی استانها در کوی دانشگاه تهران

بجای سرمقله:

### گذری بر مرحله دوم انتخابات مجلس هفتم در شهر ارومیه

انتخابات بعنوان یک راهکار دموکراتیک برای رسیدن به اهداف مورد نظر یک ملت در کشورهای متمدن امروزی مطرح می‌باشد. در واقع در یک انتخابات سالم، حضور مردم در پای صندوقهای رای، میزان مشارکت آنها را در تعیین سرنوشت کشورشان نشان می‌دهد. این مشارکت پشتوانه‌ای محکم و قوی برای حاکمیت می‌باشد که به جرات بتواند با آن مقابله کرد. تجربه کشورهای توسعه یافته و متمدن در برقراری حکومتی پایدار بخوبی نشان از اهمیت مشارکت مردم دارد. در دنیای امروز کشورهایهایی که اصل حکومت مردم بر مردم را بعنوان یک سیاست راهبردی برای واکنش به حکومت‌های توتالیتر در برخی از کشورها که کمترین ارزشی به رای مردم نمی‌دهند، در برهه‌های مختلف در مقابل تهدیدهای کشورهای نه چندان قدرتمند سر تعظیم فرود آورده و برای حفظ حاکمیت دیکتاتوری خود سرمایه‌های ملی را پیش کش تهدیدها می‌کنند. در اینگونه کشورها اگر انتخاباتی نیز برگزار شود فقط یک نمایش سیاسی بوده و کوچکترین تأثیری در روند اداره جامعه نخواهد گذاشت. اکثر کشورهای منطقه خاورمیانه چنین وضعیتی دارند. بطوریکه ایالات متحده همگام با کشورهای نظیر انگلیس و برخی از کشورهای اروپایی بیست‌هفتین سود و منفعت اقتصادی و سیاسی را از این منطقه در مقابل سیاستهای غلط حکومتی توتالیتر حاکم می‌برند. انتخابات مجلس شورای اسلامی در کشورمان بعنوان یک اصل دموکراتیک برای تحقق پارلمانتالیسم می‌تواند مطرح باشد. البته این انتخابات تا چه اندازه توانسته است که دورنمای پارلمانتالیسم را در کشور به منصفه ظهور برساند بایستی به مراجعه به میزان مشارکت مردم آنرا جستجو کرد. بهرحال انتخابات مجلس هفتم با بحثهای جنجالی خود در اسفند ماه سال گذشته برگزار گردید و اکثر نمایندگان این دوره از مجلس مشخص گردیدند. در این میان تعدادی نیز به مرحله دوم برای یک رقابت دیگر راه یافتند. در برخی از شهرهای آذربایجان مثل تبریز، اردبیل، ارومیه، زنجان و ... انتخابات مرحله دوم در ۱۸ اردیبهشت ماه برگزار خواهد شد که تکلیف نمایندگان این شهرها نیز معلوم می‌گردد. صرفنظر از اینکه انتخابات مجلس هفتم تا چه اندازه ای توانسته است با موفقیت برگزار گردیده و مشارکت مردم را جلب کند، به بررسی انتخابات در شهرهای چند قومی مثل ارومیه می‌پردازیم. همچنان که مشخص است راه یافتن نماینده‌ای به مجلس خصوصاً در شهرهای کوچک نشاندهنده میزان طرفداران آن نماینده می‌باشد. این اصل بالاخص در شهرهایی که دارای ترکیب جمعیتی متفاوتی به لحاظ قومی هستند، حائز اهمیت است. از شهرهای آذربایجان در حال حاضر ارومیه یکی از اینگونه شهرها می‌باشد که در طول زمانی نه چندان طولانی ترکیب جمعیتی آن دستخوش تغییراتی شده است. بدینصورت که با مهاجرت کردها از شهرهای کردستان به این دیار، ترکیب جمعیتی آن بتدریج تغییر پیدا کرده است. به طوری که در انتخابات مجلس ششم از سه نماینده شهر ارومیه یکی آری بوده است. البته با اینکه موفقیت این نماینده کرد بدلیل پیش شدن آرای ترکها در بین چندین کاندیدای ترک بوده ولی به لحاظ نمایش سیاسی و مفهوم آن در سطح دیپلماتیک، نشان از حضور ۱/۳ کرد در شهر ارومیه می‌باشد که این با واقعیات موجود در حال حاضر (۱۵۰۱ درصد کرد در شهر ارومیه) مطابقت ندارد. دلیل اهمیت موضوع بدین شرح است که در پشت این مانورهای سیاسی و مهاجرت کردها به آذربایجان یک تفکر بسیار خطرناکی نهفته است که در سالیهای گذشته عامل مهمی در درگیریهای قومی و اشغال اراضی یک ملت قلمداد شده است. بعنوان مثال کوچاندن اجباری ارومیه ایران، ترکیه و سایر کشورها به منطقه قوه باغ آذربایجان و تغییر ترکیب جمعیتی آن به نفع ارومیه و بعد از آن اشغال این قسمت مسلمان نشین توسط نیروهای ارمنستان و قتل عام و آواره شدن بیش از یک میلیون نفر از ملت آذربایجان نتیجه چنین سیاستهای خطرناکی که اصطلاحاً توسعه ارضی نامیده می‌شود، می‌باشد. همچنین تغییر ترکیب جمعیتی فلسطین اشغالی توسط یهودیان عامل مهمی در درگیریها و قتل عامهای ملت فلسطین در سالیهای گذشته بوده است که در حال حاضر نیز این مناقشه همچنان ادامه دارد. در مرحله دوم انتخابات مجلس هفتم در شهر ارومیه دو نفر ترک و دو نفر کرد رقابت خودشان را برای تعیین دو نفر دیگر از سه سهم این شهر شروع کرده‌اند. تلاش نمایندگان فعلی آذربایجان و مجلس ششم و نیز فعالین آنها برای نشان دادن کردنشین بودن شهر ارومیه از طرفی و نیز فعالیت کردهای افراطی در داخل و خارج کشور برای به نمایش گذاشتن سرنوشتی کشور کردستان بزرگ (قسمتی از ایران شامل استانهای کردستان، کرمانشاه و آذربایجان، قسمتهایی از عراق، ترکیه و سوریه) از دیگر سو، بایستی توجه هر چه بیشتر نیروها و فعالین حرکت ملی آذربایجان را به خود جلب کند. فعالین حرکت بایستی با بیدار کردن و آگاهی دادن مردم شهر ارومیه از خطرات ناشی از تغییر ترکیب جمعیتی این شهر و دعوت از آنها برای شرکت کردن در انتخابات بمنظور

در مورخه ۸۳/۲/۱۴ در دومین روز از برگزاری جشنواره‌ی فرهنگی استانها، غرفه‌ی استان آذربایجان غربی به علت اغتشاش به تعطیلی کشیده شد. درگیری‌ها که از چند روز قبل از آغاز جشنواره شروع شده بود در دومین روز جشنواره به اوج خود رسید که سرانجام مسئولین جشنواره اقدام به تعطیل کردن غرفه‌ی استان آذربایجان غربی کردند. افرادی که با لباس محلی در آنجا حضور داشتند، ادعا داشتند که اسم واقعی استان آذربایجان غربی، بوموگریان بوده و افراد ۸۰ درصد آنجا را تشکیل می‌دهند و تورکها بعلت اقلیت بودن حق ندارند استان آذربایجان غربی را بعنوان یک استان تورک نشین و با فرهنگ تورکی نشان دهند. مسئولین جشنواره هم بدون توجه به سخنان نماینده‌های استان که بر رأیگیری به نمایندگی رسیده بودند و هر دو تورک بودند، بدون توجه به درخواست‌های مکرر آنها مبنی بر عدم حضور افرادی که دارای کارت شناسایی جشنواره نیستند در غرفه‌ی استان، توجهی نکرده و اقدام به شناسایی افرادی که اقدام به ایجاد تشنج کرده بودند نکردند و هم افراد را با یک چوب راندند و تشنج‌های آذربایجان غربی و به قول خودشان بوموگریان نشان می‌دادند، اقدام به چاقوکنی و ضرب و شتم دانشجویان حاضر در غرفه نمودند و جوانان تورک حاضر در جشنواره با چشمانی ماتم زده شاهد از دست رفتن استان آذربایجان غربی بودند. بر اساس خبرهای رسیده قرار است سال دیگر غرفه‌ی استان آذربایجان غربی را به دو قسمت کرد نشین و تورک نشین تقسیم کنند.

آری به راحتی ناموس و وطنمان را در اختیار میهمانانی گذاشتیم که از حضورشان در آذربایجان بیش از یک سده نمی‌گذرد. میهمانانی که زمانی برای کار کردن و امرار معاش به استانمان هجوم آوردند و ما وسایل امرار و معاش و زاد و ولد آنها را تهیه کردیم، گلیمان را چیدیم و در زیر آنها پهن نمودیم، خانه‌ی خود را تقسیم کردیم و از محبت به آنها صفری را تقسیم نمودیم. حال میهمان ادعای میزبانی دارد. البته که ما آذربایجانی‌ها انقدر میهمان دوست هستیم که حاضریم خود در بیرون خانه بخوابیم و آنچه را هم که مانده است تقدیم آنها کنیم! ما انقدر خوب هستیم که ناموس خاکمان و هر آنچه از مقتدساتمان را داریم می‌بخشیم! ما چقدر خوبیم! روزی در ولایت مسلماننشین ایروان احدی از ارمنی نبود و حال! احدی از تورک مسلمان در آنجا نیست. قاراباغ ۱۰ سال پیش رنگ و بوی تورک داشت. اذانی که از صدای مناره‌های مساجدش می‌آمد حال صدای زنگ کلیسا می‌دهند. آری قاراباغ یک شهر ارمنی نشین است و هیچ تورکی، هیچ تورکی در آنجا نیست. ما میهمانان ارومیه! ما انقدر خوبیم که خراسان را بخشیدیم، تهران را همدان را، قزوین را و زنجان را و ایران را، ایرانی را که اجادم هزاران سال بر آن حکومت راندند. بعد از حاکمان بخوی بنی‌عباس، اجادم من بودند که بر کشور ایران حکومت راندند، اجادم غزاقی من، اجادم سلجوقی من، اجادم افشار من، اجادم صفوی من، اجادم قاجاری من و ... بر ایران حکومت راندند. آری پادشاهان ظالم‌اند ولی نه انقدر که کسی را از فرهنگ و زبانش دور سازند. آنها عربی را زبان علم کردند، فارسی را زبان ادب و تورکی را زبان ارتش و دیار و بر ایران آنچنانی که هست حکومت راندند. آنچنانی که دیگران می‌خواستند. پدر عقاب من، گنجشک زابیده! حال ایران آن من نیست. من اجماعی خواننده می‌شوم و نژاد پاک آری می‌مرا غلازاده، اهریمن و وحشی می‌خواند. وحشی! کسی که نتواند به زبان خود بنویسد و بخواند! اصلاً این دنیا ارزش این حرفها را ندارد. همه خواهیم مرد، چه فرقی می‌کند که من تورکم یا او کرد هست و من دیگری فارس و ... همه انسانیم! چرا او در سختی باشد، بگذار من خانه‌ی خود را به او بدهم و خود را به سختی بیاندازم. من خیلی انسانها را دوست دارم! اما آیا دیگران هم مرا دوست دارند؟! آیا آنها به خانه‌ی من از در دوستی وارد شده‌اند و یا سند و قبایله می‌زنم! را نیز خواهند ریود و به اسم خود خواهند کرد؟ و می‌رنگانهای بی‌خانه خواهند نامید؟ چه کسی است که به سوال پیشین یول پاسخی در خورد دهد: آشیانه‌ی من کجاست؟

تورک شیوعی که روزی بیرق عدالت را بر دست می‌گرفت و دلیرانه در برابر ظلم جابرانه می‌ایستاد هم‌اکنون بیرقش بر زمین افتاده، می‌بیند که شونیست فارس در خانه‌ی او زنهای شیرین فارسی را از طریق رادیو، تلویزیون و ... به زور به حلق فرزندش می‌پزند، می‌بیند که فرهنگش مورد همه قرار می‌گیرد و او را از دم زدن از فرهنگش مانع می‌شوند،

### کنسرت‌های نوازندگان و موزیسین‌های بزرگ آذربایجان

مجموعه فرهنگی آزادی تهران از ۱۴ تا ۱۸ اردیبهشت ماه شاهد برگزاری کنسرت‌های نوازندگان و موزیسین‌های بزرگ آذربایجان خواهد بود. در این کنسرت‌ها سه گروه برجسته‌ی آذربایجانی به اجرای برنامه می‌پردازند. این گروه‌ها عبارتند از: "اندانند اسرافیل اف"، "وامق محمدهلی اف" و "عاشیق شرقیه او".

می‌بیند که اقتصادش آنچنان است که آذربایجان تاجر صادر کن، حال پس از فرار نخبه‌ها، فرار مغزها و پتانسیل‌های انسانییش و تخریب هر آنچه که دارد از فرهنگ، هنر و ... و پس از به گمراهی راندن اندیشه‌ها و آرمانها دیگر چیزی برای از دست دادن ندارد و اکنون به اقصا نقاط ایران غلام صادر می‌کند. غلامانی که برای کسب روزی حلال به اقصا نقاط ایران می‌روند. گویی دیگر امکان کسب روزی حلال در آذربایجان نیست. او به تهران می‌رود، اصفهان، کرمان، فارس، یزد، خراسان و ... می‌بیند آنچه را که آبا و اجدادش ساخته‌اند از آثار باستانی و رونق بازاری که اجدادش در آنجا پی‌ریزی نموده‌اند و به راه انداخته‌اند. او می‌بیند ولی دم بر نمی‌آورد! آری آزاد مرد دیروز، جوانمردی که بر هر بی‌توبایی سهی جدا می‌کرد حال به دیروزباز می‌گردد، برای یک لقمه نان ناموس وطن خود، فرهنگ و هر آنچه دارد را می‌فروشد. چرخ آسیابی را می‌چرخاند که خود در زیر آن قرار گرفته. بگذارید آذربایجان بمیرد، حرفی نیست. این آذربایجان مردنی است، آذربایجانی که همدان نداشته باشد، قزوین نداشته باشد، زنجان نداشته باشد، اردبیل نداشته باشد، غرب و شرقش کرده باشند و غربش را زنجه، بگذار بمیرد. مرگ حق اوست. اما آذربایجان جدید چه! آذربایجانی جدیدی که انسانیش از ریشی بیش از طلائی دارد که در خاکش خفته است و نه چون انسان آذربایجانی است که خاکش بیش از خود او ارزش دارد، طلائی استخراج می‌شود، بخاریش به تاراج می‌رود و خاکش، هواش و هر آنچه دارد ارزشش بیش از انسان‌هایی است که در آنجا زندگی می‌کنند. انسان‌هایی که حق ندارند در زبان خود بنویسند و بخوانند، حق ندارند نام تورکی برای فرزندشان برگزینند، حق ندارند روزنامه داشته باشند، حق ندارند شبکهای تلویزیون داشته باشند، حق ندارند شبکهای رادیو داشته باشند و حتی حق زندگی هم ندارند. البته کشور من فقیر است، چگونه می‌شود که برای ۳۰ میلیون تورک شبکهای تلویزیون داشته باشد، چگونه می‌توان برای اینهمه جمعیت کتاب درسی تهیه کرد؟! مگر می‌شود ما نژاد اصیل آریایی و افغان و ... را که صاحبان اصلی ایران هستند (!) را رها سازیم و هر ساله میلیون‌ها خرج کتاب و تلویزیون آنها نکنیم، مگر می‌شود ما شبکهای تلویزیونی سحر را که به زبان تورکی آذربایجان برای کشور آذربایجان و برای فارس‌هایی که غولان تورکشان کرده‌اند بخش نکنیم و ببیم اینهمه بودجه صرف اقلیت ۳۰ میلیونی تورک ایران بکنیم. آیا امام زمان از این کار ما راضی است؟! آیا عدل علی چنین حکمی می‌کند؟! آیا قرآن آیه‌ای در این موارد دارد؟! اصلاً وقتی اقلیت هستی، چه حقی داری حرف بزنی، قلم به چه کار می‌آید. حساب دو تا چه پارتاست. وقتی در آذربایجان غربی کردها ۸۰ درصد آنجا را تشکیل می‌دهند (!)، آیا تو حق داری حرفی بزنی و حق آری داری. خوب برای ایران هم اینچنین است. وقتی تو اقلیت هستی باید پایت را از گلیمت بیشتر دراز کنی. اصلاً بین زبان تو زبان خشنی است، من که تورکی می‌شنوم گوشم آذیت می‌شود. بیا زبان شیرینی پارسی را، بیاموز. مطمئن باش که اونوقت به روزی می‌رسی که تو هم بیشتر می‌کنی و به تو هم حق داده می‌شود که رئیس‌جمهور داشته باشی، وزیر داشته باشی و ... که برای آذربایجانی تو هم تاشی بکنند. اصلاً این حرفها زشت است. چه فرقی بین آذربایجان و اصفهان هست، ایران مهم است! تو که آذربایجانی هستی و صبوری، چه فرقی می‌کند که پالایشگاه با اشتغالزایی ۲۰۰ هزار نفری در گلپایگان اصفهان زده شود یا در زنجان. چه فرقی می‌کند که فولاد مبارکه در کویر و دور از آب باشد، یا در زنجان و کنار آب. اصلاً این حرفها از تو زشت است. از تو انتظارم این نبود. ما می‌دونیم که تو پسر حرف‌گوش‌کنی هستی و هرچی بگم گوش می‌دی، ولی خودت می‌دونی که بغیر از تو همه دنبال حقتشون هستند و خیلی هم مسجد.

### تجمع دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی تبریز در اعتراض به دستگیری‌های اخیر فعالان سیاسی آذربایجانی و نسل-کشی‌های صورت گرفته توسط دانشکده‌های ارمنی در آذربایجان

دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی تبریز با تجمع مقابل ساختمان علامه جعفری این دانشگاه پرچم ارمنستان را به آتش کشیدند. دانشجویان شعارهایی در محکومیت جنایات یک و یکم قرن‌های ارمنی دانشگاه در نقاط مختلف آذربایجان سر دادند. در این مراسم که روز پنجشنبه ۲۹ آوریل برگزار شد، دانشجویان همچنین خواستار آزادی دستگیر شدگان روز شنبه در تهران شدند. دانشجویان با شعارهایی نظیر "مرگ بر ارمنستان، یا قاراباغ یا اولوم، توتولانلار آزاد اولسون، ارمنی محکوم اولسون، قاراباغدا آخر گونی اوزافقان باخیر، کورچاریان جلا مرگت باد ننگت باد" خواستار محکومیت جنایات ارمنانه توسط جمهوری اسلامی شدند. دانشجویان همچنین جنایات رژیم صهیونیستی را نیز محکوم کردند. این مراسم تا ساعت ۱۲ روز پنجشنبه ادامه یافت و بدون هیچ تنش پیمان پذیرفت.

